

رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: شهرستان ملارد)

آرش ناصر پیرسرائی^۱، عباس شیری^{۲*}، حسنعلی مؤذن زادگان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶)

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم در شهرستان ملارد انجام گرفته است. در قلمرو این تحقیق، یک نگرش، دیدگاهی مضیق که تقابل و تلاقی سرمایه اجتماعی با رویکردهای رسمی را تفسیر کرده، و نگرشی دیگر، تعامل انگاره‌های سرمایه اجتماعی با نگرش‌های اجتماع‌محور در آینه رشدمداری را دنبال می‌کند. در این زمینه، نگارنده در صدد است این مهم را بررسی کند آیا بین پیشگیری از جرم و سرمایه اجتماعی در پرتو دیدگاه دوم ارتباط وجود دارد. بنابراین، مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و براساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی است. به منظور انجام دادن پژوهش، ۳۸۲ نفر به صورت تصادفی، به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها دو شیوه آمار توصیفی و آمار استنباطی به کار گرفته شده است. نتایج نشان داد رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی در شاکله تقویت نهادهای مردمی و مدنی در پیشگیری از جرم وجود دارد.

کلیدواژگان

پیشگیری از جرم، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نهادهای مدنی.

مقدمه

پیوندهای سنتی که به صورت مفروض سرمایه اجتماعی را در خود پرورش می‌دادند، در عصر امروزی کمرنگ‌تر شده‌اند. نهادهایی از جمله نهاد خانواده، دین و دیگر مصادیق اجتماع‌محور، نسبت به شکل سنتی آن تفاوت‌هایی در عملکرد و نتیجه داشته‌اند، با این حال، نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که سرمایه اجتماعی به منزله اصلی اساسی، برای دستیابی به توسعه پایدار و بهبود عملکرد اجتماع قلمداد می‌شود (نوری‌پور و نوری، ۱۳۹۰، ص ۵۴). در بیان جایگاه سرمایه اجتماعی باید گفت: سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی و اکتسابی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی و ارتباط با یکدیگر، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت، عدالت حقوقی را امکان‌پذیر کند.

در مقابل، جایگاه سرمایه اجتماعی در زندگی افراد و سادگی آن در درک و شعور اجتماعی از یک طرف، و پویایی آن به سمت بهترزیستن از طرف دیگر، می‌توان پدیده مجرمانه را که معلول عوامل مختلف زیست‌شناختی، روان‌شناختی و محیط اجتماعی و محیط فیزیکی است، رصد کرد. در این عرصه، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که نقش مخرب روانی و اجتماعی و محیطی دارند، به‌عنوان بسترهای مساعد بزهکاری محسوب می‌شوند که به تدریج نقش علل اصلی بزهکاری را ایفا می‌کنند (هوارد^۱، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). بدیهی است از دیرباز کنترل بزه و پیشگیری از آن، از جنبه‌های مختلف، فراتر از ظرفیت نهادهای رسمی و دولتی بوده است. نخست محدود بودن منابع و امکانات نهادهای نظام عدالت کیفری رسمی است که میزان کارایی و اثربخشی این نهادها را همواره با تردید مواجه کرده است و دیگر آنکه تأمین امنیت و عدالت، در راستای پیشگیری از جرم و مباحث مربوط به کاهش جرم لزوماً به اقدام‌های نهادهای رسمی - کیفری وابسته نیست (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

1. Havard

شاید نتوان ادعا کرد که عملکرد و دخالت دولت‌ها در رویکردهای سزاگرایانه و به تبع آن، مجازات کردن بزهکاران که توأم با مجازات‌های بدنی، سالب حیات یا آزادی است، بازده و عملکرد خوبی نداشته است، اما می‌توان به این واقعیت اندیشید که نگرش‌های اصلاحی، همراه با رهیافت‌های جرم‌شناسانه در کنار حاکمیت دولت‌ها در امر مجازات کارایی مؤثری داشته است. بنابراین، در کنار واکنش‌های کیفری علیه پدیده مجرمانه، رویکردهای پسینی و تدابیر پیشگیرانه ثانویه به وسیله نهادهای مدنی و غیررسمی، قابل بررسی است. در این میان، پیشگیری از جرم از مباحث مهم بوده و باید در قدم اول همان‌طور که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان شده، مورد لحاظ و بررسی ویژه قرارگیرد (شهری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۷). در بحث پیشگیری نیز باید به جای پیشگیری به‌طور عام و کیفری، به‌دنبال موجبات ورود افراد به جرم بود، که در اینجا سرمایه اجتماعی نمود می‌یابد. این موضوع به اندازه‌ای مهم بوده است که بند ۳ از ماده ۳ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی برخی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وظایف شورای عالی پیشگیری از جرم بیان کرده است.

باید گفت سرمایه اجتماعی که رویکردهای کنشی و غیرقهرآمیز را در آن جست‌وجو می‌کنند، از مفهوم سرمایه اقتصادی اقتباس شده است، اما در بازخورد با حقوق و تدابیر پیشگیرانه از جرم، تأکید بر ظرفیت‌های نهفته‌ای دارد که در بطن و نهادهای اساسی اجتماع، وظیفه هدایت، راهبرد، حمایت و نظارت خود را اعمال می‌کند. با این تفاسیر، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که در شاکله خودکنترلی و نظارت‌های غیردولتی، امنیت را ارتقا می‌بخشد و جامعه را سالم، آرام و مطلوب می‌کند، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ماده خامی از جامعه مدنی است که از تعامل روزمره مردم به‌دست می‌آید و به ایجاد ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اصول اعتماد، همکاری متقابل و قواعد کنش اجتماعی می‌پردازد. اهمیت سرمایه اجتماعی در کنار وضعیت روابط همسایگی در لایه‌های مختلف، عاملی مهم در تبیین واریانس احساس ناامنی در جامعه محسوب می‌شود (Lindstrom et al., 2008, p.12)، سرمایه اجتماعی به‌غایت، متکی به نهادهایی است که ورای دستورهای جزمی واکنشی، انجام وظیفه می‌کنند، نهادهایی که در این عرصه کارآمدی مضاعفی را القا می‌کنند و سعی در الغای ناکارآمدی نهادهای واکنشی دارند.

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی با نظارت بر گروه‌های همسال در خط مقدم این فرایند جایگزین می‌شود. در دیگر قدم، این جامعه‌پذیری نهاد آموزش و پرورش که ذهن خام شخص را با نگرش‌ها و رویکردهای خود درگیر می‌کند و در کنار آن نهاد مذهب که با ابزارهای مختلفی از جمله مسجد، کلیسا و جز آن، ذهنیت به‌دست‌آمده از نهاد آموزش و پرورش و زیرپایه‌های آن یعنی خانواده را بسط می‌دهد و درونی می‌کند. در اسلام نیز، می‌توان نهاد اقتصاد را مبنایی برای کارآمدی دیگر نهادها دانست. شاید حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «اگر فقر از در وارد گردد، ایمان از پنجره بیرون می‌رود» (حر عاملی، ۱۴۲۰، ص ۵۳۲)، تجسم این تلقی باشد.

بنابراین، شبکه متراکم رابطه متقابل، احساس مشارکت را در فرد گسترش داده و موجب می‌شود افراد عمل جمعی را ترجیح دهند (Knack & Zak, 1998, p.13). از طرفی، در کنار این روح جمعی، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را عواملی می‌سازند و به پویایی می‌رساند که دربردارنده ماهیتی ماهوی و شکلی هستند. بنابراین در بازخورد با پیشگیری هر هدفی را با خود همراه می‌کنند و تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. از جمله این عوامل، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جز آن است. همچنین، سرمایه اجتماعی با سلامت، رفاه اجتماعی، میزان خشونت در جامعه، میزان خودکشی و میزان مرگ‌ومیر ناشی از سرطان و بیماری‌های قلبی عروقی می‌تواند ارتباط داشته باشد. در کنار مؤلفه‌های فیزیکی، رفاهی و محیطی، مشخصه‌های اجتماعی مثل سرمایه اجتماعی براساس سطح فردی و جمعی است، هر چند به جنبه‌های جمعی آن بیشتر توجه می‌شود (Grootaert, 2003, p.219). علاوه بر آن، نوع دوستی، صداقت، وفای به عهد، قانون‌مداری و صلح‌دوستی را از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی برمی‌شمارند.

بر این اساس، فرض اصلی این پژوهش ارتباط مستقیم پیشگیری از جرم و سرمایه اجتماعی در مناسبات اجتماعی و حقوقی است. در شرایط غفلت و فرسایش سرمایه اجتماعی قدیم از جمله حس تعلق درون‌گروهی، صله رحم، مشارکت‌های جمعی و اعتماد اجتماعی، موجبی در عدم تثبیت هم‌نوایی اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد در متن و بطن جامعه می‌شود. رشد نامتوازن در این عرصه، یعنی عدم تعلق خاطر در فرایند جامعه‌پذیری با صبغه سرمایه اجتماعی از یک طرف، و

گسترش سرکوب و فشار حاکمیتی و پیشگیرانه از پدیده مجرمانه، از سوی دیگر، نگاهی یک‌سویه به پدیده مجرمانه را دربردارد. این رویکرد فاصله از شاخص‌های سرمایه اجتماعی جدید از جمله شبکه‌های مدنی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای همیاری و شبکه‌های دوستی خواهد بود. بنابراین، سرمایه اجتماعی ارتباط مستقیم با پیشگیری از جرم به‌ویژه پیشگیری اجتماعی در قلمرو این تحقیق دارد، زیرا هر زمان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با تکیه بر نهادهای اساسی جامعه از جمله خانواده و مذهب در پندارهای اجتماعی تفوق می‌یابند، ارتکاب جرم نیز در همان ابعاد، کمتر خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار شده است. ولی ریشه استفاده از این اصطلاح، به سال ۱۹۱۶ و به کاربرد اولیه آن توسط هانی فان^۱ بازمی‌گردد. او در مراکز اجتماعات مدارس روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرد. این مفهوم، در دهه ۱۹۵۰ توسط سیلی و همکارانش برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلوپ‌ها، به‌کار گرفته شد (Putnam & Goss, 2002, p.4). همچنین، این مفهوم در دهه ۱۹۶۰ توسط جاکوبز که برنامه‌ریز شهری بود، برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای غیررسمی همسایگی در کلان‌شهرهای جدید (Putnam & Goss, 2002, p.5)، و در دهه ۱۹۷۰ توسط لوری^۲ اقتصاددان، برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به‌کار گرفته شده است (کلمن^۳، ۱۳۹۰، ص ۴۵۹). پیر بوردیو^۴ مفهوم سرمایه اجتماعی را در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش داد (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷). اما این بخش از کارهای او خیلی کمتر در نظریه

-
1. Hani Fon
 2. Lowry
 3. Kelman
 4. Pierre Bourdieu

اجتماعی مورد توجه قرار گرفت تا دیدگاه جدیدی در آمریکا به وسیله جیمز کلمن مطرح شد (کلمن، ۱۳۹۰، ص ۴۷۱). باید گفت برجستگی امروزی سرمایه اجتماعی تا حد زیادی مدیون کار رابرت پاتنام است (فیلد^۱، ۱۳۸۲، ص ۲۳). از دیرباز در جوامع بشری با سرکوب و مجازات آن دسته از فعل یا ترک فعلی که جرم شناخته می‌شد، واکنش و به تبع آن، پیشگیری از جرم تعریف می‌شد. واکنش نسبت به بزهکاری در همه جوامع و زمان‌ها به یک شکل نبوده است. در این زمینه، ووئن و لئوته^۲ می‌نویسند: «دستگاه عدالت تا پایان قرن هیجده، تنها عملی که انجام می‌داد مجازات گناهکار با هدف عبرت‌دادن به دیگران و ایجاد رعب و هراس در اجتماع بود، زیرا تصور می‌شد که شکنجه و مجازات‌های شدید می‌تواند ترس و وحشت در اجتماع پدید آورد و در نتیجه، مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران گردد» (مظلومان، ۱۳۹۰، ص ۵۰). با تحول جوامع، دیدگاه‌های جدیدی ظهور کرد که در آن شخص مجرم مورد توجه قرار گرفت. انریکوفری^۳ که از بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی بود با بی‌اثر دانستن کیفرها از نظر پیشگیری عمومی، یک برنامه وسیع اقدامات پیشگیری را ارائه داده‌اند و با پیشنهاد تدابیر سرکوبگر و قهرآمیز که در محدوده نظام کیفری اعمال می‌شود و تدابیر پیش‌گیرنده که خارج از محدوده نظام کیفری اعمال می‌شوند، ضرورت به‌کارگیری راه‌های پیشگیری غیر قهرآمیز و با ماهیت تربیتی، اجتماعی، اقتصادی برای پیشگیری از جرم را یادآور شده است. این پیشنهاد مبنای ظهور شاخه‌ای در جرم‌شناسی با عنوان «جرم‌شناسی پیشگیری» شد (نجفی توانا، ۱۳۸۵، ص ۴۳). با توجه به اینکه براساس آزمون و خطا، و همین‌طور اجرای مجازات‌های شدیدی مانند مجازات‌های سالب حیات، حبس ابد و ... به پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری منجر نشده است، حتی به گواهی آمار در شهری مثل ملارد ۹۰۰۰ فقره پرونده نسبت به مدت مشابه قبل از تاریخ تحقیق (۱۳۹۳-۱۳۹۴) به آن نیز افزوده شده است و در کنار آن، میزان ارتکاب نوع جرم با توجه به تحقیق توسط نگارنده نیز شدت یافته است. پس علاوه بر

1. Field
2. Wuhan & Leote
3. Enrico Ferri

رویکردهای سزاگرا، باید تدابیر دیگری در این زمینه اتخاذ کرد. پس منطقی است که ادعا شود تدابیر دیگری در راستای پیشگیری از وقوع جرم، قابل استفاده است، که با تقویت آن از نمود پدیده مجرمانه جلوگیری کنیم. بنابراین، در پرتو اتخاذ تدابیر مختلف آنچه موضوعیت دارد، بررسی دلایل ارتکاب جرم است. بنابراین، تا دلایل ارتکاب جرم به درستی شناخته نشود، پیشگیری از جرم معنا و مفهوم نخواهد داشت.

با این اوصاف، و به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم رابطه‌ای دوطرفه را بیان می‌کند که در این بین، آنچه مد نظر است و در چارچوب و شاکله سرمایه اجتماعی و شاخصه‌های آن در نظر گرفته می‌شود، پیشگیری از جرم در این عرصه است. اما نوع سرمایه اجتماعی در بازخورد با پیشگیری از جرم موضوعی است که تعیین کننده است و هرچه تدابیر اتخاذی به سمت نهادهای بنیادین سوق می‌یابد، کارایی پیشگیری از جرم نیز بیشتر می‌شود. اینکه سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم مرتبطانند با مبانی نظری یادشده، امری مبرهن و واضح است. در پژوهش حاضر آنچه باید بیشتر توجه شود و به نوعی پایه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، ارتباط معنادار و موضوعی سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم در شهرستان ملارد است. به هر حال، به منظور تبیین پیشگیری از جرم به‌ویژه پیشگیری اجتماعی، دو رویکرد رشدنگر و جامعه‌محور در پژوهش حاضر تحلیل می‌شود.

برخلاف روانشناسی رشد، که پیشینه‌ای طولانی دارد و همواره در عرصه پژوهش‌های روان‌شناسانه با رشته‌های مرتبط حضور داشته است، پیشگیری رشدمدار، ضمن گشودن فصل جدیدی در مطالعات جرم‌شناسانه، با تکیه بر چشم‌اندازی رشدنگر، به مطالعه تغییرات فردی و گذرا در جریان مراحل گوناگون حیات انسان می‌پردازد؛ در حالی که بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسانه، همواره با تأکید صرف بر مؤلفه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به چاره‌جویی برای مقابله با پدیده بزهکاری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش‌ها و مشاهدات رشدمداران، در نهایت، به کمک به تشخیص و مطالعه متغیرهایی منجر می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر تغییر رفتار

در فرایند تغییر سن، و به‌ویژه شکل‌گیری رفتار منحرفانه و مجرمانه مؤثرند (ولد^۱ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷). در این زمینه مؤلفه‌ای که رهیافت‌های رشدمدارانه را دربرمی‌گیرد، رفاه اجتماعی است.

با این تفسیر، می‌توان اذعان کرد شرایط سخت که نقطه‌مقابل رفاه اجتماعی تفسیر می‌شود، بستر مناسبی است که در آن بذر تبه‌کاری و نابهنجاری‌های اجتماعی پاشیده می‌شود. این بذر در این بستر مناسب در کوتاه‌ترین زمان رشد می‌کند و در صورت نداشتن برنامه‌مدون برای کنترل اینگونه مشکلات اجتماعی آسیب‌های فراوانی بر جامعه و اعضای آن وارد می‌کند. بازخورد رفاه اجتماعی در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بیان‌کننده این واقعیت است که جامعه رفاه، قصدش حذف شرایط فقر است، نه حذف فقیران. این شرایط با الگوبرداری از وضعیت مطلوب نسبی ایجاد می‌شود.

بنابراین، رویکردهای جامعه‌محور در کنار نگرش‌های رشدمدار می‌تواند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را تنظیم و تنسيق کند و با رویکردهایی به‌هم‌تنیده، تأثیر بسزایی را در پیشگیری از جرم داشته باشند. بی‌توجهی به تدابیر جامعه‌ای که نیازهای فرهنگی و اجتماعی، و به تبع آن نظارت‌های فرهنگی و اجتماعی را تفسیر می‌کند، می‌تواند محیط را ناخواسته به سمت هنجارگریزی سوق دهد. پس ماهیت فرهنگی اجتماع مؤلفه‌ای است که با وجود شرایط، جامعه را به‌عنوان جامعه جرم‌خیز معرفی می‌کند. بنابراین، هنجارهایی که رفتارها را تدوین می‌کند، برحسب فرهنگ‌ها تغییر می‌یابد، بنابراین، اشتباه خواهد بود که به فرهنگ از درون منشوری نگاه کنیم زیرا ماهیتاً از نظر هر جامعه می‌تواند برآیند متفاوتی را دربرداشته باشد. در اینجا منشور فرهنگ جنایی، باورهایی است که در هیئت مجرمانه فرد نهادینه‌شده و در نهایت، با توجه به اجتماع و محیط مورد نظر، تقابل هنجاری با نهاد‌های مربوط به سرمایه اجتماعی از جمله خانواده ایجاد می‌کند. در این عرصه هرچه تقابل هنجاری بیشتر رخ دهد، سرمایه اجتماعی نمی‌تواند موجبی در پیشگیری از جرم

1. Wald

محسوب شود. برای مثال، بهزیستی به عنوان نهادی که رویکردی جامعه‌محور دارد، وظایف خود را به خوبی انجام دهد و به نوعی بین عملکرد و شرح وظایفش تقابل هنجاری سازمانی وجود داشته باشد، نه تنها پیشگیری از جرم حاصل نمی‌شود، بلکه خود موجبی در بروز پدیده مجرمانه شود. به هر حال، آنچه در این رهیافت مطلوب نظر است، ارتباط دوسویه ای است که بین بیمار و درمان خواهد بود. مثلاً وقتی افراد با دیگران رابطه خوبی داشته باشند، افراد در نبود آنان از اموال، خانواده و... در مقابل بزهکاران محافظت می‌کنند که این امر نشان‌دهنده یک عمل متقابل و دوسویه بین افراد جامعه است (کاوه، ۱۳۹۱، ص ۳۵). مجموعه روابط اجتماعی، جوهره جامعه را تشکیل می‌دهد و ارزش‌های اجتماعی، چند و چون این روابط را از جنبه ظاهری و محتوایی، شکل و جهت می‌دهند.

کریمی نورالدین‌وند (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم»، سرمایه اجتماعی را مفهومی دانسته است که در سه دهه اخیر جایگاهی مهم در حوزه‌های مختلف علوم دارد و در آن به نقش سرمایه اجتماعی در حوزه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی پرداخته، و آن را در خانواده، مدرسه، ترک تحصیل، رفاه اجتماعی، محدودیت‌های زنان و اجتماع از نظر پیشگیری اجتماعی و همین‌طور به نقش سرمایه اجتماعی در حاشیه‌نشینی، محله، فضاهای عمومی، ساختمان‌ها و روابط بین اهالی به عنوان پیشگیری وضعی پرداخته است.

مداح و شریفی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم» به موضوعاتی مانند هنجارها، اعتماد و تعامل متقابل پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج آن‌ها بالابودن جرم و جنایت معرف پایین‌بودن سطح سرمایه اجتماعی در جامعه است. در تحقیق آن‌ها فقط به رابطه سرمایه اجتماعی با جرم، آن هم جرم خاص - مواد مخدر - پرداخته شده است و برای پیشگیری از جرم راه‌کاری بیان نکرده است.

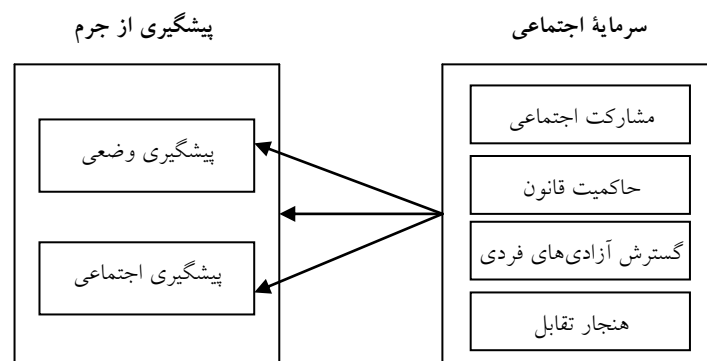
آقاعلیان دستجردی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم»، بیان کرده است که دیدگاه‌های گوناگون، تبیین‌های متفاوتی از علل وقوع جرم در جامعه بیان کرده‌اند. دیدگاه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی دلیل کج‌روی و جرم را در

ساختمان فیزیکی و تجربه‌های دوران کودکی می‌دانند. در حالی که مکاتب جامعه‌شناسی و روان‌شناختی، ساختارهای اجتماعی نابرابر، کاهش سطح همبستگی هنجاری، نبود منابع حمایت اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی علت اصلی افزایش جرائم در جوامع در حال توسعه می‌دانند. همچنین، او بیان کرده است نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد افزایش سطح بی‌اعتمادی باعث کاهش سطح همکاری و تعاملات صحیح اجتماعی و افزایش جرم می‌شود، در حالی که سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری نسبت به کودکان و نوجوانان را رقم می‌زند و تضادهای شخصی و اجتماعی را عملی می‌کند و این تضادها را به‌طور مسالمت‌آمیزی حل می‌کند. بنابراین، شناخت ساختار و چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی در پیشگیری از نوع جرم اهمیت ویژه‌ای دارد.

حیدر نژاد و زینالی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «توسعه شهری و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری» بیان کرده‌اند بخشی از ناامنی شهری حاصل از وقوع بزهکاری است. بزه یک رفتار اجتماعی منفی است که همواره مورد توجه علوم مختلفی مانند حقوق، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، روان‌شناسی و علوم رفتاری قرار دارد. پیشگیری وضعی از بزهکاری به‌عنوان یکی از راه‌های مبارزه با حوادث ناگوار، همیشه مورد توجه انسان بوده است.

مدل مفهومی و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش مدل مفهومی به شرح شکل ۱ ترسیم می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

- بر مبنای مدل مفهومی، فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین می‌شود.
- فرضیه اصلی: سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم رابطه دارد.
 - فرضیه فرعی اول: سرمایه اجتماعی با پیشگیری اجتماعی رابطه دارد.
 - فرضیه فرعی دوم: سرمایه اجتماعی با پیشگیری وضعی رابطه دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، و از نظر نوع و ماهیت تحقیقی توصیفی است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که از شاخص‌های شاو (۲۰۱۰)، داگر (۲۰۱۲)، دوهه (۲۰۱۵)، ریچارد (۱۹۸۸)، پلنت و اسکات (۲۰۰۹)، آرمسرانگ و روتتر (۲۰۰۲)، واتلی و همکاران (۱۹۹۹)، فیندل استین (۲۰۱۰)، داگر (۲۰۱۰)، و رضایی (۲۰۱۳) بهره گرفته شد. همچنین، برای گردآوری و تدوین مبانی نظری و بررسی سوابق پژوهش، روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به‌کار گرفته شد. جامعه آماری پژوهش افراد درگیری در همه پرونده‌های ثبت‌شده در دادگستری شهرستان ملارد - پاییز ۹۴ تا تابستان ۹۵ - به حجم ۵۱۴۴۱ فقره پرونده بوده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۲ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تحلیل و بررسی شد. برای بررسی روایی پرسشنامه‌ها، شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ و شاخص روایی محتوایی^۲ به‌کار گرفته شد، و برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۱. پایایی سازه‌های تحقیق

سازه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	شاخص CR
سرمایه اجتماعی	۲۵-۱	۰,۷۳۷	۰,۷۳۵
قرارداد اجتماعی	۵-۱	۰,۸۳۵	۰,۸۳۷
مشارکت اجتماعی	۱۰-۶	۰,۷۳۶	۰,۷۳۸

1. Content Validity Ratio (CVR)
2. Content Validity Index (CVI)

ادامه جدول ۱. پایایی سازه‌های تحقیق

سازه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	شاخص CR
حاکمیت قانون	۱۱-۱۵	۰,۸۸۴	۰,۸۸۶
گسترش آزادی‌های مدنی	۱۶-۲۰	۰,۸۵۰	۰,۸۵۴
هنجار تقابل	۲۱-۲۵	۰,۸۲۲	۰,۸۲۶
پیشگیری اجتماعی	۲۶-۳۵	۰,۸۱۹	۰,۸۱۷
پیشگیری رشد مدار	۲۶-۳۰	۰,۸۳۳	۰,۸۳۱
پیشگیری جامعه مدار	۳۱-۳۵	۰,۸۱۳	۰,۸۱۲
پیشگیری وضعی	۳۶-۵۱	۰,۷۹۰	۰,۸۰۲
پایایی کل	۱-۵۹	۰,۸۴۱	۰,۸۴۵

همچنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان شامل سن، جنسیت، و میزان تحصیلات آنان بررسی شد و نتایج نشان داد حدود ۶۹٫۹ درصد آزمودنی‌ها مرد و ۳۰٫۱ درصد آزمودنی‌ها زن بودند؛ ۷٫۹ درصد بی‌سواد، ۳۳٫۵ درصد زیردیپلم، ۲۰٫۹ درصد دیپلم، و ۱۷ درصد فوق‌دیپلم، ۱۵٫۷ درصد لیسانس، ۲٫۹ درصد فوق‌لیسانس، و ۲٫۱ درصد دکتری بودند. همچنین، در ۵٫۷ درصد پاسخگویان زیر ۱۸ سال، ۴۱٫۱ درصد بین ۱۸-۳۰ سال، ۴۶٫۱ درصد آزمودنی‌ها ۳۰-۵۰ سال، و ۷٫۱ درصد بالای ۵۰ سال سن داشتند.

در مرحله بعد، ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه شد. ضریب همبستگی شدت و نوع رابطه (معکوس یا مثبت) را نشان می‌دهد. طبق یافته‌های پژوهش همه همبستگی‌ها مقادیری کمتر از ۰٫۸ داشتند، بنابراین، وجود رابطه هم‌خطی چندگانه بین متغیرها رد شد. در روش حداقل مربعات جزئی که در این پژوهش به کار گرفته شد، متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای محاسبه روایی همگرای سازه‌ها محاسبه شد.

جدول ۲. روایی همگرای سازه‌ها

متغیر	متوسط واریانس استخراج شده
سرمایه اجتماعی	۰,۷۴۲۲
قرارداد اجتماعی	۰,۷۳۴۵
مشارکت اجتماعی	۰,۶۶۷۱
حاکمیت قانون	۰,۸۱۲۵
گسترش آزادی‌های مدنی	۰,۸۲۰۹
هنجار تقابل	۰,۷۹۹۸
پیشگیری اجتماعی	۰,۷۴۴۳
پیشگیری رشدمدار	۰,۸۱۰۹
پیشگیری جامعه‌مدار	۰,۸۲۶۶
پیشگیری وضعی	۰,۷۴۸۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص روایی همگرا برای همه متغیرها بیش از ۰/۵ است که قابل قبول است.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شود.

فرضیه اصلی پژوهش: بین سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم در ملارد رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اصلی پژوهش

رابطه	آماره تی	اثر مستقیم	نتیجه
سرمایه اجتماعی - پیشگیری از جرم	۱۰,۷۰۱	۰,۸۱۹	تأیید فرضیه

با توجه به ضریب مسیر متغیر سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم، به مقدار ۰,۸۱۹ و همچنین، آماره تی به مقدار ۱۰,۷۰۱، می‌توان گفت بین سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم در ملارد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

سپس، برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد پیشگیری از جرم همبستگی بین این متغیرها و معناداری آن‌ها بررسی شد.

جدول ۴. نتایج بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد پیشگیری از جرم

روابط متغیرها	آماره تی	اثر مستقیم	نتیجه
سرمایه اجتماعی - پیشگیری اجتماعی	۷/۳۱۱	۰/۵۴۶	رابطه مثبت و معنادار است.
سرمایه اجتماعی - پیشگیری وضعی	۱۱/۶۳۸	۰/۸۷۵	رابطه مثبت و معنادار است.

بر اساس نتایج جدول ۷، سرمایه اجتماعی و پیشگیری اجتماعی با ضریب ۷/۳۱۱ و معناداری ۰/۵۴۶، و سرمایه اجتماعی با پیشگیری وضعی با ضریب ۱۱/۶۳۸ و معناداری ۰/۸۷۵ رابطه مثبت و معنادار دارد.

بحث و نتیجه گیری

واقعیت این است که سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم یک رابطه دوطرفه را القای می‌کند. بنابراین، برای کارآمدی پیشگیری باید از مبناهای سرمایه اجتماعی تبعیت کرد. ریشه شرارت‌های روزافزون اجتماعی، نابودی بنیان خانواده است، نه تشتت اجتماعی. در حقیقت، برخلاف نظریه‌های معاصر که بیشتر ماهیتی روان‌شناختی را اظهار می‌کنند، به‌طور عمده، سرمایه اجتماعی و بازخورد آن با رفتار بزهکارانه یک نظریه جامعه‌شناختی است و مبتنی بر این فرض است که اعمال بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه (درون خانواده و برون خانواده) ضعیف یا شکسته می‌شود. در این بین، آنچه مد نظر است و در چارچوب و شاکله سرمایه اجتماعی و شاخصه‌های آن در نظر گرفته می‌شود، پیشگیری از جرم در این عرصه است. بنابراین، نوع سرمایه اجتماعی در بازخورد با پیشگیری از جرم موضوعی است که تعیین‌کننده بوده و هرچه تدابیر اتخاذی به سمت نهادهای بنیادین سوق می‌یابد، کارایی پیشگیری از جرم نیز بیشتر می‌شود. اما از نظر تحلیل پژوهشی در این عرصه شایان ذکر است، مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل قرارداد اجتماعی، حاکمیت قانون، مشارکت اجتماعی، هنجار تقابل و گسترش آزادی‌های مدنی می‌شود. آنچه سهم بیشتری را در عرصه پیشگیری به خود اختصاص داده بود، قرارداد و مشارکت‌های اجتماعی در قالب نهادهای نخستین اجتماعی بود. ناگفته پیداست که در این مسیر نوع پیشگیری در شهرستان ملارد، بیشتر پیشگیری رشدمدار بوده و پیشگیری‌های رشدمدار در

پرتو هنجارمندی‌های خانواده و شیوه‌های خودکنترلی مؤثر در بهبود و پیشگیری از جرم می‌باشند. در این زمینه، پیشگیری رشدمدار با شاخصه‌های مرتبط با بزهکاری نوجوانان گره خورده است، زیرا چارچوب و تمرکز بر نهادهای بنیادین اجتماع و در پی آن، تمرکز بر افرادی از جامعه است که مانند نهالی نارس قابلیت انعطاف به هر سمتی را دارد.

پیشنهاد‌های پژوهش

بر مبنای نتایج پژوهش پیشنهاد‌های زیر مطرح می‌شود.

۱. به‌کارگیری مؤلفه‌ها و سنجه‌های سرمایه اجتماعی در مدیریت خرد و کلان قضایی کشور و لوایح قضایی و همچنین، در پیشگیری از جرم.
۲. تقویت نهادهای اجتماعی نخستین، به‌ویژه خانواده به‌عنوان مؤلفه پیشرو در پیشگیری از جرم و مبنای نگرش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و تشویق نهادهای صنفی، حرفه‌ای و تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی که از راه‌حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی تلاش می‌کنند. به این منظور، در دیدی مثبت، افراد در قالب نهادهای اجتماعی هویت مشترک دارند و زمینه ایجاد همکاری‌های گروهی در آنان ایجاد می‌شود و نتیجه فعالیت‌های گروهی موفق، شبکه‌های اعتمادساز است. این شبکه‌ها هم با مشارکت‌های اجتماعی می‌تواند نمود یابد و هم براساس قراردادهای اجتماعی با نظارت غیررسمی حاکمیت قانون.
۳. تقویت مؤلفه‌های فرهنگی در راستای احیای نهادهای مدنی و بسط و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد نظیر ایجاد نهادهای مذهبی، گروه‌های موسیقی در قالب احساس هویت جمعی و سازمانی مشترک و ایجاد نهادهای مختلف مدنی و به تبع آن، مشارکت اجتماعی مردم و داوطلبانه و عدم ایجاد نهادهای عمومی توسط دولت و واگذاری به مردم.
۴. به‌کارگرفتن مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در طراحی‌های مدیریت شهری و ایجاد فضاها مناسب در شهرها به‌منظور مشارکت افراد در محله و شهر.

منابع و مأخذ

۱. آقاعلیان دستجردی، زهرا (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
۲. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. با همکاری افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسایل الشیعه. محقق: حسینی جلالی، محمدرضا محقق، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۴. حیدرنژاد، کیوان، و زینالی، حامد (۱۳۹۵). توسعه شهری و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری. کنفرانس بین المللی هنر، معماری و کاربردها، تهران، آذرماه ۱۳۹۵.
۵. شهری، غلامرضا، تحصیلدوست، فریدون، گودرزی، حمیدرضا، صمدی اهری، محمدهاشم، و رحیمی اصفهانی، عباسعلی (۱۳۸۸). مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی. تهران: انتشارات روزنامه رسمی.
۶. فیلد، جان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۷. کاوه، محمد (۱۳۹۱). آسیب شناسی بیماری های اجتماعی. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر جامعه شناسان.
۸. کریمی نورالدین و نند، معصومه (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۹. کلمن، جیمز سمیوئل (۱۳۹۰). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۰. مداح، مجید، و شریفی، نوید (۱۳۹۰). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم. فصل نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۱۵۵-۱۳۳.

۱۱. مظلومان، رضا (۱۳۹۰). جامعه، جرم، مجازات و هدف، نوع و خصائص کیفرها. برگرفته از www.LawGostar.com
۱۲. نجفی توانا، علی (۱۳۸۵). *نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر آموزش و سنجش.
۱۳. نوری پور، مهدی، و نوری، مرتضی (۱۳۹۱)، تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت آب بران شبکه آبیاری و زهکش دشت لیشتر. *فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۸، شماره ۱، صفحات ۷۱-۵۳.
۱۴. هوارد، جان (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی. ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، صفحات ۱۵۸-۱۳۱.
۱۵. ولد، جرج، برنارد، توماس، و اسنیس، جفری (۱۳۸۸). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه علی شجاعی، چاپ سوم، تهران: سمت.

16. Ahmadreza, R. (2013). Participation for crime prevention in the communities of Shiraz, *Journal of American Science*, 9(4), 587-591.
17. Armstrong, A., & Rutter, A. (2002). Evaluating the success of a crime prevention strategy targeting community capacity and participation. Paper presented at the 2002 Australasian Evaluation society International Conference October/November 2002 Wollongong Australia. Available at www.aes.asn.au.
18. Dagger, R. (2010). Social contracts, fair play, and the justification of punishment. *Ohio St. J. Crim. L.*, 8, 341, Available at www.mortizlaw.osu.edu/students/groups/osjcl/files/2012/05/Dagger.pdf.
19. Draft Doha Declaration on integrating crime prevention (2015). *The Role of the Public in Strengthening Crime Prevention and Criminal Justice*. 13th United Nations Congress ON Crime Prevention and Crimale Justice, 12-19.
20. Findley, B. K., & Steen, M. (2010). The effects of career plateauing and social support systems on the retention of non-academic staff employees in higher education, Doctoral dissertation, University of Houston.
21. Grootaert, C. (2001). *Social capital: The missing link?*, In D. Paul and E. Uslaner, *Social capital and participation in every life*, London: Routledge.
22. Knack, S., & Zak, P. (1998). *Trust and growth*. University of Maryland, Mimeographed.
23. Lindstrom, M., Merlo, J., & Ostergren, P. O. (2003). Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: A population-besed multilevel analysis in Malmo, Sweden, *Social Science & Medincine*, 56(5), 1111-1120.

24. Putnam, R. D., & Goss, K. A. (2002). Introduction In Putnam (ed), *Democracies in Flux, The Elux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford University Press
25. Plant, J. B., & Scott, M. S. (2009). *Effective Policing and crime prevention*. U.S. Department of Justice Office of Community Oriented Policing Services.
26. Shaw, M. (2010). *Handbook on the crime prevention guidelines: Making them work*. United Nations Publications.
27. Whatley, M. A., Rhodes, A., Smith, R. H., & Webster, J. M. (1999). The effect of a favor on public and private compliance: how internalized is the norm of reciprocity?. *Basic and Applied Social Psychology*, 21(3), 251–259.